

خواست خدائی و باطن صاحب جو ، خون چندین نفر از ایشان را به باد داده ، عجالهٔ سی و پنج نفر مقتول و معادل یکصد و هفتاد نفر مجروح و دیروز طبیب قزاقخانه برای معالجهٔ مرضی و مجروحین به کرج رفت و همین قدر دانسته باشید که اردوی دولتی سلطنت آباد همه منتظر يك صدای کوچکی می باشند که به مجرد آن صدا فوراً تمامی متفرق و مخصوصاً سربازان فوج امیریه تبریز و يك عدد از قزاق و به معنی دیگر برای اینکه اسباب شکست اردو را فراهم کنند قسم خورده و متعهد شده اند که اول کسی که فرار کنند آنها باشند ، تا هم پشت اردو بشکند و هم تعلیمی به سایرین داده باشند . وحشت و ترس به اندازه ای بر تمام منافقین و مستبدین غلبه دارد که تمام ذرات وجودشان را فرا گرفته ، از شاه تا ادنی سرباز ، همیشه اسب شاه برای فرار حاضر و بیشتر ترشان از مجاهدین می باشد .

راپورت چپی قزوین شاه خبر داده است که يك نفر ارمنی مجاهد چند عدد بمب کنار پل کرج خاک کرد و چند دانه هم به طهران آورده گوشه ای مخفی کرده و از طهران به طرف قم آمده است . این بود که یکشنبه ۸ فرستادند آقا سید نصرالله مدیر راه قزوین را گرفته و بردند سلطنت آباد حبس کردند ، بعد تاجر باشی روس ضمانت کرده بیرونش آورد ، باز دیروز که دوشنبه ۹ بود تاجر باشی و سید مدیر را به سلطنت آباد احضار کردند . شاه کمر بند سلطنتی را در بانگ کرو گذارده و روز شنبه ۷ پول از بانگ گرفته و قدری به کرج فرستادند . وزرا تمام استعفا دادند ، استعفای فرمانفرما و مستوفی الممالک هنوز قبول نشده ولی باقی قبول شد . نحس الدوله ملعون که سعدالدوله باشد معزول است تا ببینیم که باز سفارت روس او را به کار می گذارد یا خیر ، عجالتاً به تدابیر وزرا معزول است .

دوروز است که دولت حکم کرده به دست هر کس اسلحه ببینند بگیرند ، این حکم ممکن است عقبه پیدا کند یعنی منجر به گردش خانه ها شود . این کار را از مجاهدین اخذ کردند ، زیرا مجاهدین از تمام مستبدین رشت و قزوین سلب اسلحه کردند ، خوب است ایل جلیل بختیاری هم همین کار را بکنند و در قم به هر کس که احتمال استبداد می رود اسلحه اش را اخذ کنند ، مثل جناب متولی باشی که در مراجعت از مکه آنهمه تفنگ آورد ، و چهار ماه قبل هم چندین قبضه تفنگ پنج تیره اعلا از طهران خرید کرد و دو ماه به تصدیق اهل خبره مشغول فشنگ ریزی بود ، همیشه آدمی را نباید گذارد دارای این همه اسلحه باشد و به دو قبضه تفنگ که تقدیم می کند نباید اظهار امتنان کنند . این مرد بزرگ می باید لا اقل خدمتش به مملت به اندازه يك فوج پانصد نفری اسلحه و مخارج بدهد ، غرض این است که مانند مجاهدین رشت هوشیار و بیدار کار باشید . تا این جا مطالب صحیحه اخذ از

جامای صحیح شد و عرض کردم .

نواب والا عین الدوله و سرکار اشرف آقای عضدالملک با سایر وزراء صحیح غیور، جداً مشغول به خدمت ملت شده اند ولی دولت نمی داند به چه اطمینان ابدأ اعتنائی به اقوال و افعال این بزرگان ندارد و فقط تمام اطمینانش به آن دو عراده توپ مسلسل است که به استقبال بختیاری فرستاد .

شهر مشهد تماماً مسلح و حضرت آیه الله آقا میرزا سید محمد با آقا زاده جناب آیه الله الاعظم آقای آخوند هم غرق سلاح و حکومت را در ارگ محصور کرده اند. اما از طرف روسها خسارت زیاد به مشهدیها وارد آمده است. سالدات روس از تبریز خارج و ان شاء الله عمأ قریب از خاک ایران بیرون می شوند، قربان همت و غیرت مجاهدین غیور ایران می روم ، ولی منتظر اقدامات غیورانه بختیاری می باشم والله دیگر رمقی برای ما نمانده .

مازندران - میرزا محمدخان لاریجانی اعظام الدوله با سوارهای خود حرکت و صدق السلطنه را که حاکم استبداد بود از مازندران بیرون کرده، انجمن در مازندران و شهرهایش تماماً دایر و حاکم اخراج شده ، دوسه روز است وارد طهران است .

روز چهارشنبه ۱۱ جمادی الاخره - امروز جناب آقای آقا میرزا سید محمد امامزاده را ملاقات نموده ، مذکور داشتند دوهزار نفر قزاق روسی از تبریز خارج شده ، باقی هم بنا هست بروند و نیز مذکور داشتند که اهالی مشهد تلگراف کرده اند که رکن الدوله به مردم شلیک کرده و گلوله توپ هم به گنبد منور رضوی (ع) گرفته است و ما با سالدات روس طرف هستیم تکلیف چه است؟ مسموع گردیده که رکن الدوله هم پناه به قونسلخانه انگلیس برده است .

اوضاع مشهد خیلی بد است ، شهر شلوغ و جمعی هم کشته شده اند . جناب شیخ الملک مذکور داشت که بانک روس صد هزار تومان پول به قرض شاه داده است . امیرمفخم بختیاری امروز ازین راه برگشت .

طرف عصر تلفون شد که اردوی دولتی با ملتی در ینگ امام تلاقی کرده اند . روز پنجشنبه ۱۲ جمادی الاخره - امروز تلگرافی از طرف حاجی علیقلی خان به شاه مخابره شده و التواتوم کرده است که تا ۲۴ ساعت اگر مقاصد ملت بر آورده شد و مقصرین و خائنین را دادید فبها و الا آنچه تکلیف خود را می دانیم می کنیم .

امروز بازارهای طهران را بستند . علی الظاهر می گویند برای واقعه مشهد است که به حرم مطهر شلیک کرده اند ، ولی در واقع برای آمدن مجاهدین است . از سپهدار هم تلگرافی مخابره شده است که « اگر شاه قشون روس را برگردانید و

خانین راهم بهما داد ، ما در اطاعت شاه حاضریم و الا بزودی وارد شده به تکلیف خود عمل می کنیم .

اعلان قرمزی منتشر شده است که « روز دوشنبه زنها و اشخاص بی طرف از خانه خود بیرون نیایند . »

اعلانی دیگر چسبانیده شده که « طایفه خباز و قصاب اگر نان و گوشت را گران بکنند یا کم کنند لدی الورود آنها را مجازات خواهیم داد . »

امروز دوشنبه نامه به اسم ایقاظ منتشر گردیده که نمره اول و دوم آن در ذرف این اوراق می گذاریم که لدی الحاحه استنساخ شود .

شاه راضی بر صلح نشده است و گفته است تا قوه دارم جنگ می کنم و هر وقت عاجز شدم زن و اولاد خود را می کشم ، آنوقت خود را خواهم کشت .

روز جمعه ۱۳ جمادی الاخره ۱۳۲۷ - امروز اعلانی از طرف دولت منتشر گردید که مردم بازارها را باز کنند . بریکاد قزاق که حفظ نظم به عهده آنها است ضامن مال و جان مردم می باشند ، اگر از کسی چیزی برده شد بریکاد از عهده بیرون می آید ، لکن

این اعلان اثری نکرده است ، تمام دکانین و سراها بسته است .

اهالی شهر خیلی شایق و منتظر ورود مجاهدین می باشند .

یکی از رعایای جناب آقا میرزا ابوالقاسم طباطبائی از ساوجبلاغ آمد ، مذکور داشت حضرت سپهدار اعظم با سید چهارصد نفر وارد ینگی امام شده اند .

طرف عصر رفتن منزل جناب آقای حیی . شاهزاده نصره الدوله پسر فرمانفرما وارد شد ، پس از دوسه دقیقه توقف ، رفت به طرف عمارت بهارستان ، گویا پولی برد از برای تعمیر

عمارت مجلس و به جناب آقای حیی گفت حضرات البته وارد می شوند . شاه هم امروز وزراء را احضار کرده است که با عین الدوله و اقبال الدوله بنشینند و شرایط صلح را مذاکره نمایند ، آنچه ملت بخواهد شاه خواهد داد .

روز شنبه ۱۴ ج ۲ [۱۳۲۷] - امروز بازارها عموماً بسته است . حضرات بختیاری وارد رباط کریم شده اند . حضرات مجاهدین وارد کرج شده اند . اهالی طهران عموماً شایق و لایق ورود دو طرف می باشند .

چند نفر را از راه قم گرفته ، دست های آنها را به پشت بسته ، در گاری ریخته بردند به سلطنت آباد .

[مقاله روزنامه استقلال]

نقل از نمره اول روزنامه استقلال مطبوعه در تبریز مورخه ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۷

در جراید خارجه ، صورت مقاله نامه مبنی بر هشت ماده که گویا در

مابین دولت ایران و دولتین روس و انگلیس منعقد شده است ملاحظه گردید .

فصول مندرجه آن که عبارت از اعاده مشروطیت و اعلان عفو عمومی و تعیین صدراعظم و هیئت وزراء به تصویب دولتین ، هم چنین بودن مالیه ایران در تحت نظارت و کنترل ایشان و ندادن امتیازات و حقوق به احدی از اتباع داخله و خارجه و عدم استقراض ازدول سایر مگر به اجازه و تصدیق دولتین و تأمین جان و مال و تاج سلطنت و پرداختن مبلغی به نام استقراض و حفظ شخص شاه از هر گونه تجاوزات ، این سه ماده اخیر از طرف اعلیحضرت شاه شرط و پیشنهاد شده .
چون مواد این مقاله در صورت واقعت ثلثه بزرگی بر اساس استقلال ملی رسانیده و موجب هیچان فوق العاده می شد ، لذا صحت و سقم مسئله از وزارت خارجه استخبار شده و اینک تلگراف سؤال انجمن ایالتی را با جواب تکذیبیه که به امضای شخص وزیر امور خارجه رسیده است درج می نمایم :

طهران نمره ۱۲۶۳

حضور مبارک هیئت وزراء عظام دام ظلهم

در جراید خارجه که امروز می رسد تفصیل یک پروگرام از دولتین روس و انگلیس مندرج است که به اعلیحضرت همایونی داده اند و اعلیحضرت مندرجات آن را قبول فرموده اند و هم نص یک مقاله نامه مشتمل بر هشت ماده که در میان دولتین و دولت ایران بسته شده و به امضاء رسیده ، دیده می شود که بنا بر این بدون اطلاع ملت و غفله استقلال ایران را بر باد داده و محض حفظ مال و جان ، دولت چند هزار ساله را به هیچ مصالحه نموده اند . ملت آذربایجان حقاً بر آنکه خود را شریک در این آب و خاک می داند و قبول مفت یک یا چند نفر نمی پندارد با کمال احترام و جدیت از هیئت وزراء توضیحات می خواهد که با کمال صراحت بیان فرمائید که عین متن پروگرام و همچنین نص مقاله نامه چه بوده و چگونه و کی به امضاء رسیده ؟ که حتماً و حقاً باید ملت تفصیلات این مسائل را که راجع به حقوق مشترکه عامه و متعلق به استقلال وطن است بدانند . و این ملت ضعیف با این پریشانی حاضر است دوباره عوض یک سال ، دو سال از نو خون خود را بریزد و راضی به وصایت و قیمومت دیگران نشده نگذارد ایران در تحت نظارت بیگانگان واقع گشته ، تعیین وزراء منوط به تصدیق سفراء و امتیازات و استقراض موقوف به اجازه ایشان و ادارات دست مستشارهای فرنگی و جان و مال و سلطنت پادشاه در تحت ضمانت آنان گردد . مستدعی است هر چه زودتر هیئت جلیله وزراء که امروز مسئول امور این مملکت اند جواب صریح شافی و توضیحات وافی بدهند که تکلیف معلوم شود ، فی التأخیرافات . انجمن ایالتی .

جواب

از سلطنت آباد - بعد از عرض سلام و دعای فراوان زحمت می‌دهم علت تأخیر جواب به‌خدای لاشریک‌له قسم است جز گرفتاری‌های فوق‌العاده و فوق‌الطافه نبوده و نیست. اضطراب و انقلاب خاطر عمومی و غلبان افکار عامه را راجع به شرایط منعقدّه محله بر استقلال ملی در جراید قرار داده‌اند، در صورتیکه سبک جراید خارجه را خوب ملتفت هستید که اخبار نگاران به هوای نفس و به‌اغوای مفسدین که هزاران مصالح پلنیک‌کی را متضمن است این قبیل اخبار موحش را شهرت می‌دهند. این است که توضیح می‌کنم پروگرامی که می‌فرمائید دولّین تقدیم کرده و امضای آن را از بندگان اقدس اعلی روحنا فداء صادر نموده‌اند، اولاً عبارت پروگرام نیست و لایحه است و آن لایحه مشتمل است بر خلیع مشیرالسلطنه و سپهسالار از خدمات دولتی و تشکیل کابینه دولت از اشخاص معتمد آزادی طلب و اعاده مشروطه و عفو عمومی و ضمیمه کردن چند نفر از اشخاص فاضل و عالم به مجلس شورای مملکتی برای ترتیب و نوشتن نظامنامه انتخابات. و این اظهارات را یعنی این نصایح مشفقانه را بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی در صورتی تصدیق و قبول و اجرا فرمودند که معادل یکصد هزار لیره مساعدت خواهند کرد که حقوق عقب مانده نظام را پرداخته و به‌بعضی مصارف فوریّه اداره نیز خرج شود، تا مجلس شورای ملی مفتوح گردد. حالا از خود آن جنابان انصاف می‌خواهم کدام یک از این مطالب منافی صرفه و صلاح دولت و ملت است و کدام یک از این مطلب است که متنفذین ملت از دولت می‌خواستند. اما معاهده برهشت فصل، نه این بنده که وزیر خارجه هستم و نه سفرای دول متحابه که در اینجا اقامت دارند، روحمان خبر ندارد و از جعلیات صرف مفسدین است و الحق خوب تدبیری است که مملکت را منقلب و وزراء را مشغول دفاع نموده از کار باز دارند. جواد (جواد اسم سعدالدوله است).

ایضاً تلگراف ذیل در جواب جناب آقای تقی‌زاده و اعضاء انجمن ایالتی

که از لندن استخبار کرده بودند رسید :

اگر مقصودتان قراردادی است میان دولّین و دولت ایران مشتمل بر هشت فقره که جراید آلمان نقل می‌کنند، وزارت خارجه در اینجا حقیقت را رسماً انکار می‌کند.

ذیل : باینکه وقوع این چنین پروگرام یا قراردادی را وزراء خارجه در طهران و لندن صریحاً انکار می‌کنند، بر فرض وقوع و صحت نیز ملت ایران چنانکه کراراً در جراید خارجه و داخله و اوراق و لویایح متعدده، عقاید خود را

در خصوص معاملات سیاسی دولت ایران با سایر دول متحابه و غیر متحابه به عموم دول و ملل اخطار نموده ، بازهم تجدید مطلع و تکرار مطلب می‌نمائیم که ملت ایران همه امتیازات و قراردادها و معاهدات سری و علنی و وجوه استقراضی اعم از جزئی و کلی که جالب مداخله اجانب باشد ، تا زمان انعقاد مجلس شورای ملی لغو و غیر معتبر دانسته و خود را ذمه‌دار هیچیک از این مواد نخواهند شناخت .
انتهی .

امروز اعلانی به مطبعه شاهنشاهی برده‌اند که طبع نمایند مضمون آنکه و اشخاصی که دکان و بازار خود را بسته‌اند اگر برای آمدن چند نفر مفسد یاغی است که عملاً قریب دولت آنها را دفع و علاج خواهد نموده ، و محتوی بر مطالب دیگر ، شاهزاده عبدالله میرزا گفته است باید امضاء داشته باشد ، آورنده گفته بود این دستخط شاه است ، گفتند باید امضاء داشته باشد . باری در چند مطبعه دیگر هم بردند همین جواب را دادند .

روز یکشنبه ۱۵ ج ۲ [۱۳۲۷] - امروز در خیابان‌ها مردم را مضطرب دیدم . جمعی که از طرف دولت مأمور گشت بودند امروز بر عده آنها افزوده گردید . در قراولخانه‌ها سر بازارها زیادتر شدند . تفنگ زیادی به موشدی‌ها و بیچاره‌های محله چالمیدان دادند . در خانه شیخ فضل‌الله تقریباً پانصد نفر تفنگچی برای مستحفظی او آمده‌اند . قوای دولتی از سلطنت آباد خیلی را به شهر آوردند . صنایع حضرت جمعی از بیمارها را دور خود جمع نمود از طرف دولت اسلحه به آنها داده شده است .

اردوی بختیاری در رباط کریم ، جمعی از مجاهدین در کرج وارد شده‌اند . امام جمعه و ظهیر الاسلام در قلهک ، باغچه که صاحبش آن را در سی‌تومان خریده بود به صد و پنجاه تومان اجاره کرده و در آنجا مقام گرفتند . نظام السلطنه يك خانه که سی تومان کرایه او بود در سیصد تومان کرایه کرده و به آنجا منزل کردند .

آقامیرزا آقا مجاهد اصفهانی دیروز طرف عصر رفت در بند شمیران . من به ایشان گفتم حالاکه احتمال تلف شدن خود را می‌دهید پس خوب است نوشتجات خود را مسوده کرده بدهید تا من نزد خود نگهدارم ، شاید يك وقتی تاریخ ما محتاج به آنها بشود .

امروز تمام بازارها بسته‌است ، يك هیجان و اضطراب فوق‌العاده در مردم دیده می‌شود . روز دوشنبه ۱۶ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ - امروز عموم بازارها بسته است . اهالی شهر در يك خوف و رعبی واقع شده‌اند . اشخاص مستبد و خائن وطن و دین از مجاهدین می‌ترسند . اشخاص مشروطه‌خواه از مستبدین و اشرار شهر خائف می‌باشند . اشخاص عاقل بیطرف که در کنج خانه خزیدند از صدمات و لطافات محتمله وارد ، مثل آنکه مملکت به دست اجانب افتد و یا شاه مملکت به سفارتخانه پناهنده شود ، از این حال حالیه که مشعر بر خرابی است نهایت ترس و خوف را دارند .

عده‌ای سوار از رباط کریم ملحق شده‌اند به مجاهدین، لکن از قرار مذکور بیست الی سی نفر از مجاهدین بیشتر طرف نشده‌اند با اردوی دولتی و هنوز مجاهدین و جنگجویان مقابل اردوی دولتی نرسیده‌اند .

شب گذشته ۲۵ نفر از مجاهدین حمله آوردند به قزاق‌ها و بمب انداخته ، عده‌ای از قزاق‌ها را تلف کردند . چند نفر سوار امروز از خیابان دروازه قزوین وارد شده و چند نفر قزاق از عقب بیرق‌های قرمز مشروطه‌خواهان را در دست گرفته ، بایک اسب و یک توپ که به قاطر حمل شده بود همراه داشته ، چند نفر کلاه نمدی پیاده‌هم با آنها بودند و می‌گفتند مجاهدین را به هزیمت داده سپهدار را کشتیم و احرار را متفرق نمودیم . دیگر معلوم نشد این حرکت مبنی بر چه پولتیک بوده است .

طرف عصر را رفتیم منزل جناب آقامیرزا ابراهیم خان مؤسس مدرسه عصمت . جناب آقای قاضی عسکر و جناب آقامیرزا علیرضا خان مستوفی را دیدم که از این خبر فوق متأثر شده و محزون بودند . جناب آقامیرزا علیرضا خان مدتی رفت و برگشت خرم و خوشحال بود معلوم شد مسئله‌ها تحقیق نموده ، امروز از صبح تا ظهر متوالیاً دولتیان شکست خورده و مجاهدین غالب شده ، چند نفری که فرار می‌کرده‌اند چند بیرق در راه بود آنها را دزدیده با خود به شهر آوردند و اشنهار فتح و فیروزی داده‌اند ، ولی بحدی ترس قزاق‌ها را گرفته است که اگر دو نفر مجاهد با صد نفر قزاق طرف شود و مقابله کنند قزاق‌ها به هزیمت خواهند رفت . باری از این خبر تا یک اندازه رفع کدورت همگی ماها شد و آنچه شخص قزاقی تعریف کرده است که مجاهدین تا نزدیک امامزاده معصوم ما را تعاقب کردند و اسبهای ما را می‌زدند و می‌گفتند بروید و خبر بپسید که باز هم قزاق بفرستند . امروز سدیدالملک آمد بنده منزل و مذکور داشت قشون روس عملاً قریب وارد می‌شوند به حمایت دولت و نیز گفت دیروز چند نفر از قم می‌آمده‌اند آنها را گرفته‌اند ، یکی از آنها محمد باقر خان برادر صولت نظام بوده است ، دیگری سید رزاز و دیشب گذشته آنها را استنطاق کردیم ، یک نوشته در بین نوشته‌ها بود برادر صولت نظام بود که من برداشته نگذاردم به دست دولت افتد . مضمون آن این است که وصیت‌نامه خود را در محبس کردستان یا کرمانشاه نوشته‌ام و از برادران مشروطه‌خواه خود مستدعیم مرا در زمره مشروطه‌خواهان بدانند چه در این راه مقدس می‌میرم و در این راه پاک خون خود را می‌ریزم و سدیدالملک پاکتی در آورد و نشان داد که این پاکت است که برداشتم و باید به او برسانم . باری از استنطاق آنها معلوم شد که مسافر بوده‌اند و چون یک نفر از منی و یک شش‌لوله با آنها بوده‌است لذا آنها را گرفتند و در تحت استنطاق در آوردند . حسن آقای قزاق که از جوان‌های رشید مستبدین بود به دست مجاهد به قتل رسید ، خواهران موسوم به کلانتر ، عده‌ای از زن‌ها و اطفال را جمع کرده در اطراف قزاق‌خانه هیا هو و فحش می‌دادند . پالکنیک رئیس قزاقخانه قول داده‌است که دیگر از مهاجرین کسی را

صفحة خالی